

## چکیده

انسان دارای تخیل و قدرت خلق ذهنی است که او را متمایز از سایر موجودات می‌کند. این قدرت به او توان آن را می‌بخشد که برای هر آنچه دلیل عقلی و منطقی نیافته باشد، برهان و دلیلی خلق کند که گاه ریشه در واقعیت نداشته است. هر عنصر و عملی که خارج از حیطه‌ی انسانی و طبیعی باشد، در حوزه‌ی عناصر ماورای طبیعی قرار می‌گیرد. و از آنجا که بسیاری از این عناصر خلق شده توسط ذهن بشری در بستر زمان از فرهنگ عامیانه وارد ادبیات شده‌است، بنابراین جلوه‌های مختلفی از عناصر و اعمال ماورای طبیعی را می‌توان در داستان، اسطوره‌ها و حماسه‌ها مشاهده کرد. یکی از کتب کهن ادب فارسی، هزار و یک شب است که گره‌خورگی بسیاری با فرهنگ و ادبیات عامیانه مردم ایران دارد از این‌رو در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی عناصر ماورای طبیعی در داستان‌های این کتاب پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که تأکید بیشتر راویان داستان‌های این کتاب بر موجودات و حیوانات ماورایی بوده و در آن میان پریان و اجنه، دیوان و عفریت‌ها بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین مشخص گردید که اغلب این عناصر ماورایی دارای کنش و کارکردی مثبت بوده‌اند. اگرچه عناصری چون سحر و جادوهای منفی و حضور موجوداتی پلید چون عفریت و دیوان نیز دیده می‌شود اما در مقابل آن‌ها نیز نیروهای مثبتی وجود داشته که عمل منفی این دسته را خنثی می‌کردند. در مجموع می‌توان بیان کرد که به کاربردن عناصر ماورایی در داستان‌های هزار و یک شب، بیشتر در جهت آموزش درس و پندی در دل داستان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات داستانی، اسطوره، عوامل ماورای طبیعی و هزار و یک شب.